

به نام خدا



سرشناسه	طباطبائی، سید جواد، ۱۳۲۴-۱۴۰۱.
عنوان و نام پدیدآور	سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی/ سید جواد طباطبایی.
مشخصات نشر	تهران: هرمس، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری	۷۳ ص.
شابک	۴-۴۴۳-۴۵۶-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
یادداشت	این کتاب بر اساس کتابی تحت عنوان «سفرنامه کروسینسکی: یادداشت های کشیش لهستانی عصر صفوی (۱۷۰۷-۱۷۲۵)» تألیف ژان آنتوان دوسرسو که خود بر اساس یادداشت های کروسینسکی می باشد نوشته شده است.
موضوع	کروسینسکی، یوداش تادئوش، ۱۶۷۵-۱۷۵۶ م. — خاطرات Krusinski, Judasz Tadeusz _ Diaries
موضوع	حسین صفوی، شاه ایران، _ ۱۱۴۱ ق.
موضوع	ایران — تاریخ — صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ ق.
موضوع	Iran _ History _ Safavids, 1502 - 1736
موضوع	اصفهان — تاریخ — قرن ۱۲ ق.
موضوع	Esfahan (Iran) _ History _ 18th century
موضوع	ایران — تاریخ — حکومت افغانان، ۱۱۳۵-۱۱۴۲ ق.
شناسه افزوده	Iran _ History _ Afqhan conquest, 1722 - 1729
	دوسرسو، ژان آنتوان، ۱۶۷۰ - ۱۷۳۰ م. سفرنامه کروسینسکی: یادداشت های کشیش لهستانی عصر صفوی (۱۷۲۵ - ۱۷۰۷)
رده بندی کنگره	DSR1۲۵۵
رده بندی دیویی	۹۵۵/۰۷۱۹
شماره کتابشناسی ملی	۱۰۳۹۸۶۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیفا

سید جواد طباطبائی

سقوط اصفهان

به روایت کروسینسکی



مجموعه آثار
ترجمه ها



سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی

سید جواد طباطبایی
تحریریه نشر هرمس

بازنویسی
نمونه خوانی و نسخه پردازی

حبیب ایلون
حمیدرضا دمیرچی
امیر استرابی

طراح جلد
ناظر چاپ
صفحه آرا

۱۴۰۴
۵۰۰ نسخه
رسم

چاپ اول
شمارگان
چاپ

همه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتراز میدان ونک، شماره ۲۴۹۳
تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



دو سال ونیم از پرواز جواد طباطبایی به دورترین کهکشان می‌گذرد. در این مدت که مصادف با غریب‌ترین رویدادهای سیاسی و تاریخی در ایران بوده، جای او را خیلی خالی می‌دیدم. او از «ایران بزرگ فرهنگی» و احیای «نظریهٔ ایران‌شهری» و بازنگری و برداشت نوینی از آن که با روزگار ما هم‌خوانی و هماهنگی داشته باشد سخن گفت. این نظریه خشت خامی است که می‌باید با همت فرهیختگان جوان و دلسوزان این کهن‌دیار در گذر زمان شکل بگیرد و چه‌بسا که به منظور تدوین یک نظریهٔ سیاسی «منسجم» که تاکنون ایران فاقد آن بوده تغییرات زیادی در آن ایجاد شود.

پس از مرگ همسرم، با وجود تمامی موانعی که سر راه ما بود و به رغم همهٔ نادوستی‌ها و کارشکنی‌ها، سرانجام به یاری کمتر از انگشت شماری از دوستاناران فرهنگ ایران‌زمین برای نخستین بار توانستیم به همت نشر مینوی خرد کتاب زوال اندیشهٔ سیاسی را باز نشر کنیم که متأسفانه ناشر از ادامهٔ کار انصراف دادند و اکنون به همت نشر هرمس کتاب‌های شادروان طباطبایی به تدریج ولی مداوم باز نشر می‌شوند. باشد که جرقه‌ای باشد که با سوی خود مشعل‌های نخبگان جوان ما را در آینده روشن خواهد کرد.

گیتی خرسند (طباطبایی)

تهران - مهر ۱۴۰۴



تصویر شاهسلطان حسین صفوی

در میان گزارش‌های بازمانده از یورش افغانان و سقوط اصفهان، روایت یوداش تادوش کروسینسکی^۱ راهب یسوعی لهستانی، که از مبلغان مسیحی مقیم اصفهان بود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دربارهٔ سوانح احوال کروسینسکی پایین‌تر، در متن، اشاره‌هایی خواهد آمد. در این پیشگفتار تنها نکته‌هایی را دربارهٔ کتاب‌شناسی و انتشار آن گزارش می‌آورم تا خواننده تصویری اجمالی از گزارش کروسینسکی و اهمیت آن داشته باشد. کروسینسکی که به هنگام یورش افغانان و سقوط تختگاه ایران در اصفهان به سر می‌برد، به رسم همهٔ مبلغان مذهبی و به‌ویژه یسوعیان که به‌طور منظم گزارش‌های دقیقی از اوضاع کشور محل مأموریت خود به سرپرست فرقه‌ای که به آن تعلق داشتند ارسال می‌کردند، در شورش افغانان گزارش جامعی از وقایع اصفهان و سقوط آن به سرپرست یسوعیان در فرانسه فرستاد. این گزارش که در اصل به زبان لاتینی، زبان رایج مبلغان مذهبی، نوشته شده بود در زمانی که اشرف افغان هنوز اصفهان را در تصرف خود داشت به پاریس رسید و، از آنجا که گزارشی جامع و حاوی آگاهی‌های گرانمایی دربارهٔ سقوط یکی از بزرگ‌ترین نظام‌های شاهنشاهی زمان بود که مناسبات حسنه‌ای با کشورهای اروپایی داشت و در پیکار با سلطان عثمانی نیرویی ائتلافی برای شاهان اروپایی به شمار می‌آمد، نظر

سرپرست فرقهٔ یسوعیان فرانسوی را به خود جلب کرد و همان سرپرست دستنوشتهٔ گزارش یا نسخه‌ای از آن را در اختیار یکی از راهبان یسوعی به نام آنتوان دُو سِرْسو^۱ گذاشت تا هر طور که صلاح می‌داند آن متن را انتشار دهد. دُو سِرْسو مردی ادیب و علاقه‌مند به تاریخ بود و بر پایهٔ گزارش کروسینسکی کتابی در دو مجلد با عنوان تاریخ واپسین انقلاب ایران به زبان فرانسه پرداخت و در سال ۱۷۲۸، نزدیک به شش سال پس از سقوط اصفهان، در حالی که هنوز اشرف افغان بخش‌های مرکزی ایران را در تصرف خود داشت، انتشار داد.^۲ دُو سِرْسو، به نمایندگی از سوی مرکز ارسال مبلغان مسیحی، حوادث ایران را از نزدیک دنبال می‌کرد و به منابعی که از طریق دیگر مبلغان به پاریس می‌رسید دسترسی داشت. افزون بر این، راهب یسوعی مقیم پاریس با مطالب همهٔ سفرنامه‌های مهمی که پیش از آن دربارهٔ ایران دورهٔ صفوی انتشار یافته بود آشنایی دقیقی داشت و بسیاری از رازهای فرمانروایی ایرانیان و سرشت قدرت سیاسی در ایران را می‌دانست. کتاب دُو سِرْسو، نظر به اهمیتی که «انقلاب ایران» داشت، در زمان انتشار آن در فرانسه بسیار مورد توجه قرار گرفت؛ نخست، متن کامل آن در دو مجلد به زبان انگلیسی ترجمه شد و آن‌گاه خلاصه‌ای از آن به زبان ایتالیایی منتشر شد. تاریخ واپسین انقلاب ایران در نخستین دهه‌های سدهٔ هجدهم، «عصر روشنگری»، انتشار یافت، دوره‌ای که تدوین فلسفهٔ تاریخ به تازگی در آغاز شده بود و از زمان تأسیس فلسفهٔ سیاسی جدید دو سده می‌گذشت. در انگلستان ادوارد گیبون، نویسندهٔ کتاب تاریخ انحطاط و سقوط امپراتوری رُم^۳، و به‌ویژه در فرانسه نویسندگانی مانند منتسکیو و ولتر بسیاری از آگاهی‌های خود دربارهٔ ایران را از این کتاب گرفته و برخی نظرات مطرح‌شده در آن را بسط داده‌اند. تا جایی که می‌دانیم، متن لاتینی گزارش کروسینسکی هرگز به چاپ نرسید. کروسینسکی پس از سقوط اصفهان این شهر را ترک کرد و رهسپار قسطنطنیه شد و مدتی در این شهر رحل اقامت افکند. نسخه‌ای از گزارش کروسینسکی در دربار سلطان احمد در قسطنطنیه وجود داشت و پس از استفتا از مفتی اعظم خلافت

1. Antoine du Cerceau

2. Judasz Tadeusz Krusinsky, *Histoire de la dernière révolution en Perse*, Paris, Briasson 1728, 2 vol.

3. *The History of the Decline and Fall of the Roman Empire*.

عثمانی، مبنی بر جواز شرعی ترجمه گزارش، به خامه مترجمی به نام ابراهیم با عنوان تاریخ سیاح به ترکی عثمانی برگردانده شده و به چاپ رسیده است.^۱ واژه «سیاح» در عنوان تاریخ سیاح، ترجمه ترکی عثمانی گزارش، اشاره به کروسینسکی دارد و مترجم، با توجه به عرف زمان که بیشتر اروپاییانی که به کشورهای شرقی سفر می‌کردند جهانگردان بودند، راهب یسوعی را سیاح — یا جهانگرد — معرفی کرده و گزارش را نیز رساله‌ای در تاریخ سیاسی ایران خوانده است. ترجمه تاریخ سیاح، به گونه‌ای که در واپسین صفحه کتاب آمده، در اول ذیحجه سال ۱۱۴۱ به پایان و در اول صفر ۱۱۴۲ در شهر قسطنطنیه در قطع خشتی به چاپ سنگی رسیده است. مقدمه مترجم فاقد شماره صفحه است، متن با ورق «۱» شروع می‌شود و با ورق «۹۷» به پایان می‌رسد. بنابراین، تاریخ سیاح دارای نود و هفت ورق و صفحه آخر آن فاقد شماره است. مقدمه مترجم فاقد شماره صفحه است و من آن را از «۱» تا «۴» شماره‌گذاری کرده‌ام تا ارجاع به آن آسان‌تر باشد. ابراهیم در مقدمه خود در «سبب تحریر مشکین نقاب» آورده است که ترجمه در «عهد خلافت» «خلاصه دودمان خلافت و نقاوه خاندان سلطنت صاحب قران» «ملوک العرب والعجم والروم... السلطان الاعظم ابن السلطان الاعظم ابو الفتوح والمغازی السلطان الغازی احمد خان»^۲ و با دستور «مقام صدارت عظمی ساهیانداز مسند وکالت کبری، وزیر برجیس فطنت، مشیر عالی همت باب مداین الطاف و کرم، داماد شهریار معظم اعنی به حضرت ابراهیم پاشا» انجام پذیرفته است. به اسم مترجم، «ابراهیم»، تنها در ورق ۱ چ متن اشاره شده و، به گونه‌ای که از متن تاریخ سیاح برمی‌آید، مردی فاضل بوده و افزون بر زبان ترکی عثمانی در زبان‌های لاتینی و فارسی نیز دستی داشته است. جالب توجه است که متن و مقدمه مترجم به زبان ترکی عثمانی است، اما عنوان همه فصل‌ها، که فهرست آن پس از مقدمه مترجم و پیش از شروع متن آورده شده، به زبان فارسی است. بدین سان، تا زمانی که نسخه‌ای از متن لاتینی گزارش کروسینسکی و

۱. مترجم در مقدمه می‌نویسد که «مولانا عبدالله افندی حضرت‌ترندن استفتاء اولوب» و او «اشرف مساعی و احسن صنایع اولمغله منافع عامه‌یی متضمن بر فن مفید اولدغین اشعار» و پس از آنکه فرمان همایونی صادر شده، مترجم «لسان لاتیندن ترکیه تبدیل و ترجمه و باصمه» کرده است (تاریخ سیاح، «مقدمه مترجم»، ص. ۴-۳).

۲. تاریخ سیاح، همان، ص. ۱۰.

ترجمه دیگری به دست نیاید این تاریخ سیاح را باید نخستین ترجمه آن به شمار آورد. اندکی پس از انتشار ترجمه ترکی در قسطنطنیه ترجمه لاتینی متن بر پایه همان ترجمه ابراهیم به سال ۱۷۳۱ در لایزیگ انتشار یافت که در بالای روی جلد عنوان کتاب با حروف عربی و پس از آن عنوان کتاب به لاتینی به قرار زیر آمده است:

تاریخ سیاح

Hoc est:

chronicon peregrinantis seu historia ultimi belli Persarum
cum Afghwanis gesti

یعنی این است تاریخ سیاح یا تاریخ واپسین جنگی که میان ایرانیان و افغانان اتفاق افتاد. در پایان کتاب، مترجم «سیاهه‌ای از سلاطین عثمانی را نیز از روی دستنوشته‌ای ترکی» برای مزید فایده بر آن افزوده است. نام مترجم لاتینی در روی جلد Joh. Christ. Clodii و نام ناشر Jo. Frid. Gleditschii ذکر شده است. یک سال پس از انتشار برگردان لاتینی تاریخ سیاح، ترجمه آلمانی آن نیز انتشار پیدا کرد. چنان‌که اشاره کردیم، گزارش‌های مبلغان مذهبی و به‌ویژه راهبان یسوعی از کشورهای خاوری از نظر اروپاییان بسیار مهم تلقی می‌شد و با توجه به اینکه مراکز ارسال مبلغ به کشورهای خاوری مناسبات نزدیکی با یکدیگر داشتند در برخی از کشورهای اروپایی مجموعه‌هایی برای ترجمه و چاپ آن گزارش‌ها ایجاد شد. در آلمان، در نخستین دهه‌های سده هجدهم مجموعه‌ای انتشار یافت با عنوان نامه‌ها، نوشته‌ها و سفرنامه‌هایی که مبلغان انجمن عیسی مسیح [یعنی انجمن یسوعیان] از کشورهای دوردست تا سال ۱۷۳۰ به اروپا ارسال کرده‌اند.^۱ ترجمه گزارش کروسینسکی در مجلد سوم از جلد سوم آن کتاب به قلم راهبی آلمانی به نام یوزف اشتکلاین ترجمه

۱. عنوان آلمانی اثر یادشده به قرار زیر است:

Brief, Schriften und Reis-Beschreibungen welche von denen Missionaris der Gesellschaft Jesu Weitenfernten Ländern bis anno 1730 in Europa angelangt seynd ... verteutscht ... von P. Joseph Stocklein, Verlag Philipps Martinus 1732.

نگارنده این سطور تنها به مجلد سوم از جلد سوم این اثر بسیار کمیاب — که در قطع رحلی بزرگ چاپ می‌شده — دسترسی داشته است و اطلاعی از شمار مجلدات و مضمون آن‌ها ندارد.

شد و به ضمیمه گزارش دُری افندی، سفیر سلطان احمد سوم در ایران، به سال ۱۷۳۲ انتشار یافت. این دری افندی، چنان که از گزارش او برمی آید، رجلی آگاه و هوشمند بود و در زمانی که میرویس، پدر محمود افغان، بر شاه سلطان حسین به شورش آغاز کرده بود به تختگاه ایران اعزام شد و در گزارشی دولت متبوع خود را از سقوط محتوم شاهنشاهی ایران آگاه کرد.^۱ این گزارش را، که در سال ۱۷۲۰ نوشته شده بود، کروسینسکی در زمان اقامت خود از ترکی عثمانی به لاتینی ترجمه کرد و با پیوست‌ها و افزوده‌هایی در سال ۱۷۳۴ به چاپ رساند.^۲

به رغم اقبالی که در کشورهای اروپایی و حتی، چنان که گفته شد، عثمانی به گزارش کروسینسکی و کتاب دو سرسو صورت گرفت، به نظر نمی‌رسد که هیچ‌یک از ترجمه‌های گزارش راهب لهستانی و تاریخ واپسین انقلاب ایران که شرح مختصر آن گذشت — به استثنای برگردان ترکی عثمانی گزارش کروسینسکی — در ایران شناخته شده باشد. این ترجمه ترکی عثمانی گزارش کروسینسکی نیز تا زمان شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس در ایران شناخته شده نبود و چنین می‌نماید که نخست در دارالسلطنه تبریز و کسانی از اطرافیان عباس میرزا به نسخه‌ای از آن دسترسی پیدا کرده باشند. به هر حال، چنان که عبدالرزاق دنبلی در دیباچه ترجمه خود گفته است، عباس میرزا پس از آگاهی از مضمون متن تاریخ سیاح دستور داد آن را با عنوان عبرت‌نامه از ترکی عثمانی به فارسی ترجمه کنند. مترجم فارسی در دیباچه کتاب می‌نویسد: «الحمد لله رب العباد وخالق الانام والصلوة... علی نبیه وعترته الکرام و منه الاعانة فی کل افتتاح واختتام. و بعد، در زمان شاه سلطان حسین صفوی، شخص سیاحی از ثلث مسیحیه در عالم سیاحت به اصفهان آمده، در آنجا قریب به بیست و پنج شش سال متوقف و ناظر اوضاع بد و نیک جهان، از حوادث روزگار تجربه‌اندوز و مصلحت‌آموز بود. مردی با فطانت و کامل عیار و سرد و گرم روزگار

۱. ترجمه فارسی این گزارش مهم در اثر زیر آمده است: «سفارت‌نامه احمد دُری»، سفارت‌نامه‌های ایران، به کوشش محمدامین ریاحی، تهران، توس ۱۳۶۸.

۲. نسخه‌ای از این ترجمه به نظر نگارنده رسیده است. نشانه‌های کتاب‌شناختی آن چنین است:
Prpdum ad tragicam vertentis belli Persici historiam seu legationis à Fulgida Porta ad Soporum Regem Szah Sultan Hussein 1720... Latinè facta operà P. Judae Krusinsky Soc: Jesu Missionarii Persici ...
 Leopoli Typis coll: soc: Jesu. Anno Dñi 1734.

دیده و اوضاع افغانه قندهار که به اصفهان مسلط شده بودند، به دقت تمام، به زبان لاتین نوشت. این نسخه به استانبول رسید و از ملتزمین دربار خوانده ... ابراهیم نامی آن کتاب به زبان ترکی درآورده و در باسمه خانه اسلامبول که آن را دارالطباع گویند باسمه کرده و مسمی به عبرت نامه ساخت. یکی از نسخ کتاب مذکور به نظر مبارک ثواب ولیعهد دولت ایران رسید و به موجب امر خجسته آن جناب مترجم این نسخه عبرت مآب، بنده درگاه جهان پناه، ابن نجف قلی عبدالرزاق، به زبان فارسی در این اوراق ضبط نموده که همه اهل فطانت و تاریخ، و ارباب ... ادب و صحبت را نفع او عمومیت به هم رساند.^۱

تردیدی نیست که داعیه ترجمه گزارش کروسینسکی تکوین آگاهی از بی آمدهای شکست اسفناک ایران در جنگ های ایران و روس و همسانی هایی بود که میان آن دو شکست و فروپاشی دوباره ایران وجود داشت. درباره علت ترجیح ترجمه گزارش کروسینسکی بر تاریخ واپسین انقلاب ایران دو سِر سو چیزی نمی دانیم. بدیهی است که با توجه به تفصیل این کتاب اخیر و اینکه نویسنده آن، افزون بر آوردن گزارش کروسینسکی، از منابع دیگری نیز برای نوشتن آن سود جسته بود ترجمه آن می توانست فایده بیشتری داشته باشد. شاید، در دارالسلطنه تبریز نسخه ای از تاریخ واپسین انقلاب ایران در دسترس نبوده یا منشی زبان دانی که بتواند همه آن دو مجلد را به فارسی برگرداند وجود نداشته است. به هر حال، به رغم اهمیتی که تاریخ واپسین انقلاب ایران آنتوان دو سِر سو برای فهم علل و اسباب سقوط شاهنشاهی صفویان و این دوره از تاریخ ایران دارد، این کتاب تاکنون به فارسی ترجمه نشده است. نگارنده این سطور، در جریان تحقیق درباره تأملی درباره ایران و تحریر نخستین جلد آن، با عنوان دیپلاچهای بر نظریه انحطاط ایران، متن آن را به دقت از نظر گذرانده و یادداشت های مفصلی فراهم آورده بود. در آن کتاب تنها فقرات کوتاهی مورد استفاده قرار گرفت و از آنجا که ترجمه دو مجلد تاریخ واپسین انقلاب ایران ممکن نبود بازنویسی کوتاه شده ای از آن را، که همه نکته های مهم تاریخی و نیز تحلیل های دو راهب یسوعی را شامل

۱. سفرنامه کروسینسکی، یادداشت های کشیش لهستانی عصر صفوی، ترجمه عبدالرزاق دُنبلی، مفتون، به کوشش مریم میراحمدی، تهران، توس ۱۳۶۳، ص. ۱۷.

می‌شود، به صورت رساله‌ای کوتاه در دسترس خوانندگان قرار می‌دهم. چنان‌که اشاره شد، از زمان انتشار تاریخ واپسین انقلاب ایران نزدیک به سه سده گذشته؛ وانگهی، اصل گزارش و متن منتشرشده به قلم دو راهب یسوعی نوشته شده است. با مقایسه میان آنچه در این رساله از آن دو راهب می‌آورم و نوشته‌های تاریخی ایران که در آن‌ها گزارشی از سقوط اصفهان آمده است، می‌توان به خوبی دریافت که در آغاز سده هجدهم چه شکاف ژرفی میان دریافت‌های اهل نظر کشورهای اروپایی و ایران ایجاد شده بود و حتی راهبان مسیحی تا چه پایه با اندیشه جدیدی که با نوزایش تکوین پیدا کرده بود آشنایی به هم رسانده بودند. این نکته را نیز باید بیفزایم که رساله حاضر تنها گزارشی کوتاه از حوادث یورش افغانان و توضیح برخی علت‌های فروپاشی ایران در پایان عصر صفوی است، اما صرف کتاب تاریخی نیست، بلکه در عین حال رساله‌ای در اندیشه سیاسی و سندی در تکوین تاریخ‌نویسی جدید نیز هست.